

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: الکساندر مزیایف (ALEXANDER MEZYAEV)

برگردان: ا. م. شیری

۳۰ مارچ ۲۰۲۳

## فاتیسم قانونی به مثابه نماد سیاست سرمایه جهانی



سفر اخیر شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین به روسیه به یکی از مهمترین رویدادهای سیاسی تبدیل شده است. واکنش غرب جمعی به این دیدار بسیار جالب توجه است. به ویژه باید توجه داشت که نماینده این نهاد "جمعی" به نمایندگی از دولت ایالات متحده آشکارا همکاری روسیه و چین را نه تنها به عنوان یک "تهدید" که گویا قبلاً نیز وجود داشت، بلکه، به عنوان "تضعیف نظم جهانی" اعلام کرد.

مرحله جدید و حتی تهاجمی‌تر تقابل ایالات متحده با چین و روسیه آغاز شده است. چنین رویکردی در سیاست خارجی، همانطور که ایالات متحده نشان داد، مستقیماً با رویه عمومی پذیرفته‌شده روابط بین‌الملل در تضاد است و با منشور سازمان ملل متحد نیز مغایرت دارد.

در سال‌های اخیر شاهد شکل‌گیری فعال "نظم مبتنی بر قوانین" بوده‌ایم. در ابتداء به عنوان یک نوع مترادف با حقوق بین‌الملل تلقی شد. اما، به تدریج مشخص شد که "قوانین" به صورت کاملاً متفاوت معنی می‌شود.

تجاوزات بی‌وقفه کشورهای ناتو و کودتاهای ضد دولتی الهام گرفته از خارج، بی‌ثبات کردن اوضاع نه تنها در کشورهای مختلف، بلکه، در سراسر جهان، همه این‌ها نقض صریح قوانین بین‌الملل است. با این حال، این اقدامات به طور عجیبی به بخشی از "نظم مبتنی بر قانون" تبدیل شده است. این قوانین توسط هیچ کس ارائه نشده، تدوین نشده و هیچ جا هم تصویب نشده است. اما عمل نشان می‌دهد که "نظم مبتنی بر قانون" دقیقاً خلاف قوانین بین‌المللی است.

"نظریه" حاکمیت محدود دولت در رابطه با یکسری مسائل، به عنوان مثال، مسائل مربوط به تضمین حقوق بشر، به بخشی جدائی‌ناپذیر "نظم مبتنی بر قانون" تبدیل شده است. از این "نظریه" "مفهوم" مداخلات بشردوستانه استخراج گردید، که به درجات زیادی زمینه حقوقی سقوط تعدادی از دولت‌ها را فراهم کرد.

جدائی **متوهیا و کوزوو** از صربستان نیز با ایده مداخله بشردوستانه "مشروعیت" یافت.

محدود کردن حاکمیت دولت‌ها از طریق حقوق به اصطلاح کیفری بین‌المللی، یکی دیگر از سنگ بناهای "نظم مبتنی بر قانون" بوده و مبارزه با جرایم فراملی همواره بخش مهمی از حقوق بین‌الملل تعریف شده است. اما این بخش همواره "همکاری بین‌المللی دولت‌ها در مبارزه با جرایم" نامیده می‌شود. این عبارت دقیقاً محتوای این شاخه از حقوق بین‌الملل را منعکس می‌کرد و بر ارتباط افقی (یعنی برابر) موضوعات آن تأکید داشت. به تدریج، مفهوم "حقوق کیفری بین‌المللی"، "نظم مبتنی بر قانون" تعریف شد. این اصطلاح با صدای بلند پذیرفته شد. با این حال، همراه با این اصطلاح، ایده ارتباط عمودی (یعنی سلسله مراتبی) موضوعات مطرح گردید. این قانون اجازه تشکیل محاکم و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی با صلاحیت اجباری بر کشورهایی را داد که در ایجاد این دادگاه‌ها مشارکت نداشتند. ایده اصلی قانون کیفری بین‌المللی حمله جدید به حق حاکمیت ملی، از جمله، از طریق لغو مصونیت مقامات ارشد بود.

رویدادهای سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که "نظم مبتنی بر قوانین" تنها یک مرحله موقت بوده و اکنون نشانه‌هایی از یک پدیده بسیار جدی‌تر مشاهده می‌شود.

از نظر علم حقوق می‌توان آن را یک قانون جهانی ارزیابی کرد. این شامل دو حالت است: "**نظم مبتنی بر قوانین**" برای یک نقطه از جهان و اعلام بقیه به عنوان قانون شکنان، یعنی "**غیرقانونی**".

از دیدگاه علوم سیاسی، این پدیده را می‌توان **فاشیسم قانونی** نامید (مهم نیست که چقدر ترکیب متضاد به نظر می‌رسد). لازم به ذکر است که فاشیسم طبق تعریف سیزدهمین پلنوم کمیته اجرائی کمینترن، عبارت است از "**دیکتاتوری تروریستی آشکار ارتجاعی‌ترین، شوونیستی‌ترین و امپریالیستی‌ترین عناصر سرمایه‌مالی**". باید بر صحت فرمول ارائه شده در سال ۱۹۳۴ تأکید کرد که در آن پدیده فاشیسم بدرستی تعریف شده است: این‌ها دولت نیستند، بلکه سرمایه‌مالی، یعنی یک پدیده جهانی هستند! ویژگی تعریف فاشیسم که توسط پلنوم کمیته اجرائی کمینترن ارائه شد، امروزه به میزان بیشتری روشن می‌شود. زیرا، فاشیسم قانونی از طریق سوژه‌های جهانی که در دهه ۱۹۳۰ وجود نداشت، مطرح می‌شود...

تمامی علائم فاشیسم مشهود است. هم دیکتاتور است و هم ماهیت آشکار و نمایشی دارد. **پدیده جهانی فاشیسم جدید** نیز به وضوح قابل مشاهده است. واقعیت اعلام رویارویی دولت امریکا با روسیه و چین نمی‌تواند موضوع واقعی را پنهان سازد. این جنبه که به ذینفع اصلی وخامت اوضاع کنونی جهان-مجتمع نظامی-صنعتی امریکا اشاره دارد، مورد توجه ماریا زاخارووا، سخنگوی رسمی وزارت امور خارجه روسیه قرار گرفت. به عبارت دقیق‌تر، زاخاروف در ایالات متحده نیز با اشاره به ارتقای منافع مجتمع نظامی-صنعتی (در) امریکا توسط نمایندگان پارلمان اروپا، این جنبه را مورد تأکید قرار داد...

تمرکز آشکار ایالات متحده بر تشدید تنش و رویارویی با چین، مظهر فاشیسم قانونی بوده و هدف آن تضعیف اصول اساسی منشور سازمان ملل متحد و در نتیجه نهائی، تضعیف خود سازمان ملل متحد و به طور کلی حقوق بین‌الملل است.

در دهه ۱۹۳۰، خطر فاشیسم در مراحل اولیه شناسائی شد. با این وجود، تجربه کمینترن حتی امروز نیز از اهمیت بالائی برخوردار است. این تجربه در شرایط امروزی، وظیفه تشکیل یک جبهه بین‌المللی گسترده علیه نئوفاشیسم، از جمله، جبهه حقوقی را بر عهده جامعه جهانی قرار داده است.

برگرفته از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۹ فروردین-حمل ۱۴۰۲